2886

و بارچه‌های نفیس رنگ برنگ حاصل شود و عیش بکدرم قطع سهال اگر مطرا بدزن
صاحب جمال بدست آید طرف بین السهال و الشرف یعنی اب آن نوشه از جهار بکدرچه
سعید الحه که سلاحظه در آید بماری مهلک کرده و کلیدی وصف شود و اگر کهدر بچه بجهان
که کوتر نام دارد و نام بدن او در رشت سلاحظه در آید بنده ان فوت شود
بسیار محبوس آنشه این کهدر بچه بجس سلاحظه کسی نمی آید و هر گاه که کلیج را امام بجس
میرسد آنوقت سلاحظه می افتد بهل سلاحظه نمودن هر جهار کهدر بچه سعید در
جاهای پاک سوای هر اطراف مذکوره بداسکه اگر متصل اب پاک و صاف
بالای بهسانی فیل و بهکام طلوع آفتاب نزدیک برهمن و قطر اسمان پرواز نهان
دور جائیکه مجموعه و خنان خواه حقل عظیم باشد سلاحظه در آید در بند اید و از حد
اولی سرنه اعلی برسد و حوس و حور بی حاصل کرده و بهل سلاحظه و کلاور فلجانه
خواه قصطل باغ های انبه خواه باغهای مکلزار و بالای بام و طیله و دیوار
بالای بارچه سعید و بالای طرف که از سبزه و حوالت و روغن زرد و غیره پر باشد
و در رمین که از اب پاک صاف کرده باشد و متصل حوضچه شوره کهود
طلا و نقره دس و متصل راجه و بالای و بجانفشه پر از حورد و بالای در حیث
که سایه دار خوب و برکت می شمار و نه باشد که ر سایه ان طبیعت
حوش و خورم کرده و در حیث سکفته خواه تمر دار که ر بارش شاخهای بزمین
او بخه باشد خواه بر درخت میوه دار سبز و بالای بهل او جائیکه نه زیاد از
بهل برامد باشد سلاحظه نماید و گفت اید دگر نزدیک دو سه اید
مکان نو ساله جائیکه خانه و خانوان باشند سلاحظه کرده و بهل حوض پاک و اگر
در ما در همخانه دا بدار همخانه سلاحظه کرده در بند اید و بارچه بعضی پاک بر

می آید و اگر از دو بهر تا غروب آفتاب ملاحظه نماید بهل آن ماه سی آخر
می شود و یکروز فاصله خواهد شد و نظر آید بهل ماه مذکوره بطور می آید اگر احتمالا
کهدر بچه را آفریده و طلبیده در روزهای مذکوره ملاحظه نماید هیچ بهل
نمیکند و شناخت کهدر بچه ترکیب است انفصل آن اینطور می آرد ترکیب اول
سپید نام کهدر بچه سالم و سکم و خلو سیاه و دیگر بدن سفید باشد اگر نظر آید
بسیار خوبست ترکیب دوم پسر بهدر نام کهدر بچه سالم و سکم سیاه و دیگر
سفید باشد اگر نظر آید مبارک است ترکیب سوم اثو بهدر نام کهدر بچه خلو و سکم
سیاه باشد و دیگر همه بدن سفید باشد اگر نظر آید خوبست ترکیب چهارم اگر بهدر
نام کهدر بچه خلو سیاه و چشم سفید باشد اگر نظر آید مبارک است ترکیب پنجم
کوشتر نام کهدر بچه تمام بدن زرد باشد اگر نظر آید ناقص است تمام سال حقیقی و
بیماری بکدر و در مکان سعد و محس بهل برابر دارد و سوای محوسیت بهل
دیگر ندارد بهل ملاحظه نمودن هر چهار کهدر بچه سعد در هر طرف آید دفعه اول
در ایام بهبوده بفصل در تحریر می آرد باید دانست اگر مکان نهر نظر آید بهل آن
زیر همه نحسیت اگر در حمامی می ناقص ملاحظه آید بهل ناقص می شود اگر در میان
بسمت یسار اگر در مرداد نظر آید زرد شده آید و بهل بسیار خوبست و اگر از طرف مشرق
نظر آید مطالب دیر بحصول انجامد سمت میان مشرق و جنوب و المغرب یعنی
اگنیه کونه اگر ملاحظه نماید دو یا سه و چهار خطره رسیده طرف جنوب اگر
ملاحظه شود بیماری آرد و طرف میان الجنوب و المغرب یعنی نیرت کونه اگر ملاحظه
نماید سال در فصه و سقامه و خوف لحاظ ملد و طرف مغرب اگر نظر آید
طلا و جواهر و جوه بدست آید طرف میان المغرب و الشمال یعنی باب کونه اگر ملاحظه
نماید اگر می فیل خواه پالکی خواه ملکیت خوب بدست آید طرف

طرف بنده ان به طرف دیگر برنخاید نباید پهل راست کند راحله اطراف کرمی الف باشد
برود می باید بسته حاضر بود و شتابیده نباید اگر از هر جانب من تو کدام کنجل
طرف بردارد نموده لطف بنده نباید پهل راست کند راحله اطراف فوج کسی نموده ارادهٔ
خلاف نباید و اگر از صبح تا دوپهر ملاحظه نباید از دو پهر خواه کسی سردار لاهور نبود اگر
بعد از دوپهر تا شام بوقت خوردن دانه و پوسیدن آب ملاحظه نباید بخود هم طعام
نصیب تمام سال حاصل نبود و دلی پایمان نشاید دارد و بوقت دراز دوش ملاقات نبود
و اگر بوقت روانگی بطرف راست شود راست ملاحظه نباید پهل سار خوشست و اگر سمت مایه باشد که
بوقت روانگی بطرف راست رو نموده نام کند رکه نکرد و اس هم پهل سعد دارد
و اگر در پهل بوقت خوردن و پوسیدن سمت در اید لاهور نبود اگر حفت کند رکه نام
بنفقه باو از بدل ی نموده باشد و ملاحظه در اید در ان گمان ملاقات نبود اگر
در همان ملاحظه در اید همه کار ها بخوبی انجام باید کرد در ملک و بر رفته مراد دلی
حاصل گردد و اگر کنجن رود بر دکس خانه دیگر نرسیده و بهمان نبود و پس لاهور نبود
اگر حفت کند رکه نام کند یا حفت نباید و ملاحظه در اید از دست دوست خواه خویش و اقربا
که بطرف رفته باشد نباید ملاقات نبود پهل ماهی ناقص بر جهار کند رکه که گمان
ماهی ناقص ملاحظه در اند باید دانست که اگر بالای پهل درختان و بالای شکم ماهی اگر
و گمان علحده افتاده باشد و بالای درختان خار دار و درختان خشک و خانه خالی
و انگشت انبار شده باشد و بر آنجا ان و قبرستان و مرگ بت و بالای در بعض
طرف ماهی خالی متصل مردم در روح کوه و بر جویلی خواه گمان نوحاید
و بوادیه و عمارت خانه که خالی از مردم باشد و بالای موی سر دهد که در
با کوه جویلی افتاده باشد و متصل مرده و قبر همان نسبت و بلندی و کوه